

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

# اثرات متقابل طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی

حسین رحمانی<sup>۱</sup>، حنا داودزاده<sup>۲</sup>

۱- پژوهشگر علوم پزشکی، دانشگاه جیلین، چانگچون، جمهوری خلق چین، r.h1989@yahoo.com

۲- پژوهشگر علوم پزشکی، دانشگاه جیلین، چانگچون، جمهوری خلق چین، h.davoodzade@yahoo.com

## چکیده

توسعه روزافزون علم پزشکی و پیشرفت در پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری‌ها مرهون تلاش‌های پیشگامان طب سنتی در سراسر کره خاکی است. در میان کشورهای کهن طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی اثرگذاری ویژه‌ای بر روند توسعه و تکمیل علم پزشکی داشته است. مبانی نظری طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی اگرچه با ساختار و نظریه‌های متفاوت شکل گرفته است، اما گذری بر تاریخ پزشکی و بررسی متون هر یک نشان‌دهنده اثرات متقابل این دو طب سنتی بر یکدیگر است. آن‌چه در این مقاله مروری صورت پذیرفته است، گذری اجمالی بر تعاملات پزشکی ایران و چیندر طول تاریخ است. این یافته‌ها بیانگر بررسی مبانی طب چینی در آثار دانشمندان طب اسلامی ایرانی و همچنین اثرگذاری این طب بر پایه‌های ساختاری طب چینی است. به طور کلی هر دو طب به طور مشترک به تبادل داروهای سنتی به خصوص گیاهی پرداخته‌اند، اما در خصوص اثرگذاری، این طب سنتی اسلامی ایرانی است که وارد طب چینی شده و تا امروز ریشه‌های اثرگذاری آن در منابع مختلف و مقالات علمی مشخص است. از جمله اثرگذارترین دانشمندان ایرانی بر طب چینی نیز می‌توان ابوعلی سینا، زکریای رازی و علی ابن عباس اهوازی را نام برد. البته این پژوهشگران نیز در آثارشان همچون کتاب قانون و ابن سینا و یا کاما الصنایع فی طب علی ابن عباس از گیاهان دارویی چین نام برده‌اند، اما پس از نگارش کتاب‌هایشان و در برخی منابع، نقد نظریات چینی، این کتاب‌ها در اعصار بعدی به چین وارد شده و در طب سنتی چین به خصوص در میان اطباء مسلمان چینی مورد استفاده قرار گرفته است که نمونه بارز این اثرپذیری را در کتاب هوی هوی یا تو فانگ می‌توان مشاهده کرد. البته این مطالعه کوتاه تنها مدخلی برای ورود به تحقیقات آتی در این زمینه است. امید است بتوان با پژوهش‌های موضوعی آتی به شفاف‌سازی هرچه بیشتر یافته‌های حاضر کمک کرد.

**کلیدواژگان:** طب سنتی اسلامی ایرانی، طب چینی، تاریخ پزشکی.

## ۱- مقدمه

توسعه روزافزون علم پزشکی و پیشرفت در پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری‌ها مرهون تلاش‌های پیشگامان طب سنتی در سراسر کره خاکی است. در میان کشورهای کهن، طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی اثرگذاری ویژه‌ای بر روند توسعه و تکمیل علم پزشکی داشته‌اند. مبانی نظری طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی اگرچه با ساختار و نظریه‌های متفاوت شکل گرفته است، اما گذری بر تاریخ پزشکی و بررسی متون هر یک نشان‌دهنده اثرات متقابل این دو طب سنتی بر یکدیگر است. جایگاه طب و علوم پزشکی در ایران تنها منحصر به دوره پس از اسلام نیست و پیش از ورود اسلام به ایران نیز جایگاه طب در ایران با نظام و ساختاری مؤثر در پیشبرد بهداشت

عمومی و درمان بیماری‌ها زبان‌زد بوده است و سابقه طب ایرانی را بیش از پنج هزار سال پیش از میلاد تخمین می‌زنند (ساربانها<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶) و در دوره زرتشت نیز اطبا ایرانی توانمندی رشد یافتند و به اختصار تأسیس دانشگاه جندی شاپور در خوزستان گویای وضعیت کاملاً حرفه‌ای طب در ایران پیش از اسلام بوده است. البته به مرور زمان و با رشد دانش پزشکی عظمت طب جندی شاپور روبه افول گذاشت، اما با گذشت زمان و به خصوص در دوره پس از اسلام آثار دانشمندی چون علی ابن عباس اهوازی، ابوعلی سینا، زکریای رازی و سایرین دوباره به رشد و شکوفایی طب ایران جان تازه‌ای بخشید و نه تنها در ایران بلکه در سراسر اطبا جهان زبان زد شد (کرد افشاری و محمدی کناری، ۱۳۹۱). پایه‌های زمینه‌ای طب سنتی اسلامی ایرانی که دانشمندان به نام آن ضمن مطالعه طب یونانی به ساختار بندی آن پرداخته‌اند، نمونه‌ای توسعه یافته از طب یونانی بوده است و براساس عناصر اربعه شکل گرفته و ادامه یافته بود. در همام بازه‌های زمانی در چین که آن‌ها هم سابقه درخشانی در طب سنتی خود داشتند، نظام فکری متفاوتی جهت آموزه‌های طبی و درمان استفاده می‌شده که به عنوان مثال به جای عناصر اربعه در نظام فکری آنان عناصر پنج‌گانه مورد نظر بوده است. البته معرفی نظام‌های فکری و تشابهات و تفاوت‌های طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی خارج از موضوع مقاله حاضر است و در جایی دیگر نیازمند بررسی است، اما بیان تفاوت این دو از این باب اهمیت دارد که بتوان شباهت‌های حاصل از تعاملات بین این دو را استخراج کرد. سهم تعاملات پزشکی در این تحقیقات در میان مطالعات تاریخی روابط ایران و چین با وجود حجم انبوهی از پژوهش‌های صورت گرفته و مقالات ارائه شده بسیار اندک بوده است؛ بنابراین در این مقاله پژوهشگران سعی بر بررسی اثرات متقابل طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی دارند.

## ۲- روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مروری بوده و با هدف بررسی اثرات متقابل طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی صورت پذیرفته است. در این مطالعه پژوهشگر ابتدا با جست و جوی کلیدواژگان از پیش تعیین شده پژوهش در پایگاه‌های داده به گردآوری مقالات موجود بدون توجه به زبان انتشار مقاله شامل فارسی، عربی، چینی و انگلیسی پرداخته و پس از یافتن مقالات مورد نیاز با مطالعه خلاصه مقالات به برگزیدن مقالات قابل قبول پرداخته است و سپس از میان مقالات باقی‌مانده به مطالعه اصل مقالات پرداخته و داده‌های مورد نیاز نگارش را به تفکیک طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی فهرست کرده است. کتب طب سنتی ایرانی مانند قانون فی طب ابن سینا از مؤثرترین کتاب‌های مورد مطالعه جهت نگارش مقاله حاضر بوده که در این مرور کوتاه به بررسی کامل آن پرداخته نشده است.

## ۳- یافته‌ها

بررسی متون طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی نشان داده که هر دو طب پیشینه دیرینه‌ای پیش از میلاد داشته‌اند و از آن‌جا که هدف مطالعه حاضر بررسی اجمالی اثرات متقابل طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی بوده است و ضمن گستردگی پیشینه‌های مربوطه و البته عدم دسترسی به منابع کامل و البته فقدان ترجمه هر یک از منابع به یک زبان مشترک سبب گردید که در این مقاله تنها به اثرات متقابل طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی پس از اسلام پرداخته شود. بررسی روابط متقابل چین و ایران در بازه‌های زمانی مختلف نشان داده است، پس از اسلام و دقیق‌تر پس از حمله مغول به ایران به دلیل تصرف مغول بر بخش‌های گسترده آسیا از جمله در ایران و چین روابط این دو کشور در اوج بوده است و تبادلات پزشکی نیز در میان تبادلات مختلف صورت گرفته است. آن‌چه در بررسی مطالعات نمایان شده است نشان می‌دهد که در ابتدا اطبا مسلمان ایرانی بودند که به بررسی طب چینی و البته داروهای مورد استفاده در این طب

<sup>۱</sup>Sarebanha

پرداخته‌اند به گونه‌ای که در یک مطالعه ارزشمند بر آثار اطبا اسلامی چنین گزارش شده که داروهای گیاهی چین در آثار دانشمندانی چون طبری، زکریای رازی، علی ابن عباس اهوازی، ابوعلی سینا و جرجانی به وفور دیده شده است به گونه‌ای که تنها در کتاب قانون ابوعلی سینا ۴۶ مرتبه از کلمه چین در توصیف گیاهان وارد شده از چین نام برده شده است (حیدری و همکاران، ۲۰۱۵). البته آن چه که مسلم است در کنکاش اطبا اسلامی پیرامون طب چینی به استفاده از داروها بسنده شده و پایه‌های درمانی در این کتب ارزشمند با پایه‌های درمانی و نظام فکری طب چینی متفاوت بوده و حتی مورد نقد قرار گرفته است. در واقع ورود داروهای طب چینی به این طب اثر شاخص طب چینی بر طب سنتی اسلامی ایرانی و نه روش‌های تشخیصی و درمانی بوده است، اما بررسی اثرات طب سنتی اسلامی ایرانی بر طب چینی نشان می‌دهد که تنها بخشی از این اثر مربوط به صدور داروهای طب سنتی اسلامی ایرانی به چین بوده و بیش از آن انتقال آموزه‌های علمی در تشخیص و درمان بیماری‌ها و استفاده از نسخه‌های درمانی در منابع طب چینی است که در کنار سایر پژوهش‌ها و آثار و منابع (کلین-فرانک<sup>۱</sup> و مینگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸)، مستحکم‌ترین گواه این یافته، کتاب هوی هوی یائو فانگ است که به دست اطبا مسلمان چینی نگارش شده است (کنگ<sup>۳</sup> و چن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶). از این کتاب ارزشمند امروزه تنها چهار جلد باقی مانده و مورد ترجمه نیز قرار نگرفته است هر چند که هنوز هم تجدید چاپ می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱ تصویری از یک ویرایش کتاب هوی هوی یائو فانگ، حاصل نگارش اطبا مسلمان چینی از منابع طب سنتی اسلامی ایرانی

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر در مروری کوتاه و اجمالی به بررسی اثرات متقابل طب سنتی اسلامی ایرانی و طب چینی پرداخته است. آن چه نمایان شده این است که بخش اعظم این اثرات پس از اسلام بوده و به دنبال حمله مغول به ایران و به دلیل تصرف مغول بر بخش‌های اعظم آسیا از جمله در ایران و چین، روابط این دو کشور در اوج بود و تبادلات پزشکی نیز در میان تبادلات مختلف صورت گرفته است، همچنین نباید فراموش کرد جاده ابریشم نیز تمامی این اثرات را تسهیل کرده است (بحرانی‌پور، ۱۳۹۰). همان گونه که در بخش نتایج شرح داده شد، به طور کلی هر دو طب به طور مشترک به تبادل داروهای سنتی به خصوص گیاهی پرداخته‌اند، اما در باب اثرگذاری، این طب سنتی اسلامی

<sup>۱</sup>Klein-Franke

<sup>۲</sup>Ming

<sup>۳</sup>Kong

<sup>۴</sup>Chen

ایرانی است که وارد طب چینی شده و تا به امروز ریشه‌های اثرگذاری آن در منابع مختلف و مقالات علمی مشخص است. از جمله اثرگذارترین دانشمندان ایرانی بر طب چینی نیز می‌توان ابوعلی سینا، زکریای رازی و علی ابن عباس اهوازی را نام برد. البته این پژوهشگران خود نیز در آثارشان همچون کتاب قانون و ابن سینا و یا کاما الصناعه فی طب علی ابن عباس از گیاهان دارویی چین نام برده‌اند، پس از نگارش کتاب‌هایشان و در برخی منابع نقد نظریات چینی، این کتب در اعصار بعدی به چین وارد شده و در طب سنتی چین به خصوص در میان اطبا مسلمان چینی مورد استفاده قرار گرفته است که نمونه بارز این اثرپذیری را در کتاب هوی هوی یا تو فانگ می‌توان مشاهده کرد (زائری و وانگ، ۱۳۹۴). شاید مستندات کافی برای ارائه نحوه دقیق انتقال داروهای طب چینی در دسترس نباشد، اما مطالعه آثار اطبا اسلامی گواه این کاربردهاست، همچنین مقالات و کتاب‌های به تحریر درآمده در طب چینی نیز گواه انتقال داروها و البته نسخه‌های درمانی اطبا اسلامی به چین است. این اثرات تنها به تبادلات دارویی و آموزه‌های علمی تشخیصی و درمانی ختم نشده است، بلکه سبب شد اطبا مسلمان چینی بتوانند رشد چشمگیری در کشور چین و حتی بعدها در سایر کشورها داشته باشند و امروزه در منطقه غرب چین اطبا مسلمان چینی کماکان با استفاده از طب سنتی اسلامی ایرانی به تشخیص و درمان بیماری‌ها می‌پردازند که این مهم اثر ماندگاری از طب سنتی اسلامی ایرانی بر طب چینی است. البته این مطالعه کوتاه تنها مدخلی برای ورود به تحقیقات آتی در این زمینه است و امیدواریم بتوان با پژوهش‌های موضوعی آتی به شفاف‌سازی هرچه بیشتر یافته‌های حاضر کمک کرد. حمایت‌های همه جانبه دانشمندان و دولت‌مردان چینی از طب چینی سبب شده است امروزه این طب همچون سایر علوم آکادمیک صاحب کرسی هست و در دانشگاه‌های مطرح جهان مورد تدریس قرار می‌گیرد و در کشور چین نیز بخش چشمگیری از خدمات درمانی با طب چینی صورت می‌پذیرد و این مهم می‌تواند الگویی جهت توسعه و به کارگیری هر چه بیشتر طب سنتی اسلامی ایرانی و استفاده بیش از پیش این علم ارزشمند و اثربخش منجر شود که هدیه نیاکان ما و حاصل تلاش‌های بی‌وقفه آن‌هاست.

## قدردانی

از تمامی فعالان عرصه طب سنتی اسلامی ایرانی، استادلن، دانشجویان، درمانگران، پژوهشگران و به ویژه دفتر طب سنتی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی برای حمایت‌های بی‌وقفه از این طب ارزشمند قدردانی می‌شود.

## منابع

- بحرانی‌پور، علی (۱۳۹۰). «تأثیر مناسبات تیموریان و سلسله مینگ در چین بر نگارگری مکتبی هرات»، *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، ۱(۲)، صص ۱-۲۴.
- زائری، قاسم، وانگ، چینگ (راستین) (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیرات طب ایرانی-اسلامی بر نظام طب چینی (مطالعه موردی: تألیف کتاب هوی هوی یا تو فانگ در چین)»، *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۲۲(۱)، صص ۱۶۵-۲۰۵.
- کرد افشاری، غلامرضا، محمدی کناری، حوریه (۱۳۹۱). «آموزش پزشکی طب سنتی در دوره اسلامی»، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*، ۳(۱)، صص ۶۱-۷۱.
- Heydari, M., Hashempur, M. H., Ayati, M. H., Quintern, D., Nimrouzi, M. & S. H. Mosavat (2015). "The use of Chinese herbal drugs in Islamic medicine", *Journal of Integr Med*, 13(6), pp. 363-367.

- Klein-Franke, F. & Z. Ming (1998). “Avicenna’s links with Chinese medicine: A chapter of the history of Sino-Arabic relation during the Middle Ages”, *Asian medicine*, December 1998.
- Kong, Y. C. & D. S. Chen (1996). “Elucidation of Islamic drugs in Hui Hui Yao Fang: A linguistic and pharmaceutical approach”, *Journal of Ethnopharmacology*, 54(2-3), pp. 85-102.
- Sarebanha, S., Kazemi, A. H., Sadrolsadat, P. & N. Xin (2016). “Comparison of traditional Chinese medicine and traditional Iranian medicine in diagnostic aspect”, *Trad Integr Med*, 1(2), pp. 75-8.

Archive of SID

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله